

اشاره

حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: «کسی که می خواهد خدا با او سخن بگوید، قرآن بخواند.»

هم چنین می فرمایند: «بهترین شما کسی است که قرآن را می آموزد و آن را آموزش می دهد.»

یکی از وصایای رسول اکرم (ص) وصیت به تلاوت قرآن است و فضیلت تلاوت و حفظ، حمل، تمسک، تعلم، مداومت و تدبیر در معانی و اسرار آن بسیار زیاد است. در شماره قبل بخش نخست آداب تلاوت از دیدگاه امام خمینی (ره) پیش روی شما عزیزان قرار گرفت در آن شماره موضوعات مربوط به صلوات، استعاذه، اخلاص از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت، در این شماره بخش پایانی و سایر موضوعات مربوط به آداب تلاوت از منظر معظم له پیش روی شماست.

کلیدواژه‌ها: آداب تلاوت، ظاهری، باطنی، صلوات، استعاذه

امام خمینی (ره) و آداب تلاوت قرآن کریم

بخش دوم و پایانی

تهمینه یزدان پناه سامانی
مدیر و دبیر دینی و قرآن منطقه ۱۳ تهران



۴. فهم عظمت، بزرگی، جلالت و کبریای قرآن کریم

یکی از آداب مهم قرائت کتاب الهی که عرفا و مردم عادی از آن انتظار نتایج حسنه و نیکو دارند و موجب نورانیت قلب و حیات می‌شود، تعظیم و بزرگداشت این تحفه آسمانی است که منوط به فهم و درک بزرگی، عظمت و جلالت آن است. این درک عالی مختص ذات مبارک نبی مکرم اسلام (ص) در محفل انس «قاب قوسین اوادنی» و تعداد معدودی از خالص‌ترین اولیای الهی، نظیر معصومین (علیهم‌السلام) است و دست اقرار عامه بشریت از آن کوتاه است. اما مصداق این ضرب‌المثل که:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

باید قاری قرآن سعی خود را در این باره مبذول دارد تا ان‌شاءالله به بارقه‌هایی از این درک عالی دست یابد.

۵. تفکر در آیات الهی و مقصد کتاب شریف

یکی دیگر از آداب مهم باطنی تلاوت، تفکر است و مقصود از تفکر آن است که از تلاوت آیات شریفه مقصود و مقصد را جست‌وجو کند. چون خود قرآن مقصد و هدف این صحیفه نورانی را هدایت به راه سلامت و خارج کردن از همه مراتب ظلمت به عالم نور و هدایت به راه مستقیم دانسته است، پس قاری باید با تفکر در آیات شریفه، مراتب سلامت نفس و روح را تا منتهی‌الیه آن که نیل به حقیقت قلب سلیم است، به دست آورد. سلامت جسم و قوای ملکوتی (جان)، گم‌شده قاری است که در این کتاب آسمانی موجود است، این گم‌شده موجودات را باید با «تفکر» از آن استخراج کرد.

وقتی شخص قاری مقصد را یافت، در تحصیل و به‌دست آوردن آن بینا می‌شود و راه استفاده از قرآن شریف بر او گشوده و درهای رحمت حق برایش مفتوح می‌گردد. عمر کوتاه عزیز خود و سرمایه تحصیل سعادت خویش را در امور پست صرف نمی‌کند و به درک مطالب و معارف بلندی از قرآن نایل می‌آید که تا آن زمان به هیچ وجه برایش ممکن نبود. در این هنگام شفا بودن قرآن را برای امراض قلبیه می‌فهمد: «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً»

۶. تطبیق مفاد قرآن با حال خود و شفای امراض به وسیله آن

مهم‌ترین امری که انسان را به نتایج بسیار و استفاده‌های بی‌شمار نائل می‌کند، «تطبیق» است. به این ترتیب که در هر آیه از آیات قرآن که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند و نقص خود را به واسطه آن برطرف سازد و امراض خود را با آن مداوا کند. مثلاً در قصه حضرت آدم (علیه‌السلام)، ببینید علت طرد شیطان از بارگاه قدس، با آن همه سجده‌ها و عبادت‌های طولانی، چه بوده است تا خود را از آن تطهیر کند. زیرا مقام قرب الهی جای پاکان است و با اوصاف و اخلاق شیطانی در آن بارگاه نمی‌توان قدم گذاشت. قاری باید همه معارف و احوال قلب و اعمال باطن و ظاهر خود را با کتاب خدا تطبیق دهد و عرضه دارد تا به حقیقت قرآن متحقق و قرآن صورت باطنی‌اش شود.

۷. قصد تعلیم داشتن و استفاده نمودن

مطلب مهمی که باید در نظر داشت تا راه استفاده از کتاب شریف برایتان باز شود و درهای رحمت، معارف و حکمت‌ها بر قلب گشوده شود، این است که به قرآن باید نظر تعلیم داشت و آن را کتاب آموختن و فایده بردن دانست و خود را به تعلیم و استفاده از آن موظف کرد. به این علت استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است که یا به آن نظر تعلیم و تعلم نداریم و قرآن را برای ثواب و اجر تلاوت می‌کنیم، و یا اگر نظر تعلیم داریم، با نکات غیر ضروری مانند وجوه اعجاز آن، سبب نزول آیات، اوقات نزول، مکی و مدنی بودن آیات و... خود را مشغول می‌کنیم که خود آن‌ها موجب دور شدن از معارف غنی قرآن و غفلت از ذکر الهی می‌شوند. این صحیفه الهی، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی است. این کتاب خداست و انسان را به شئون الهی دعوت می‌کند. قاری و مفسر باید این شئون را بیاموزند و به مردم تعلیم دهند. مردم نیز باید برای تعلم و آموختن شئون الهی به آن مراجعه کنند تا استفاده از آن حاصل شود. چه خسارتی بالاتر از این که سال‌ها کتاب الهی را قرائت و به تفاسیر مراجعه کنیم، اما از مقاصد آن بازمانیم! (ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرین.)





۸. رفع موانع انس با کلام الهی

زمانی که عظمت کتاب خدا از همه جهات معلوم و راه استفاده از معارف غنی آن باز شد، قاری و مستعید به قرآن باید یکی دیگر از آداب مهم را به کار بندد تا استفاده به صورت تام و کامل صورت پذیرد و آن برطرف کردن موانع استفاده است که امام خمینی (ره) و سایر عرفا از آن‌ها به حجب بین مؤمن و قرآن تعبیر می‌کنند. در این مقاله به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) حجاب خودبینی

یکی از شاهکارهای مهم شیطان این است که شخص متعلم، خود را به واسطه این حجاب، از استفاده از قرآن بی نیاز بداند. انسان را به آن چه که دارد، راضی و قانع سازد و نیل به مراتب بالاتر را از نظر او ساقط کند. مثلاً اهل تجوید را به همان علم جزئی، اصحاب تفسیر را به پرداختن به ریشه‌های لغوی و ترجمه و اصطلاحات و... سرگرم کند و آن را در نظرشان جلوه‌های فراوان بدهد و آنان را از سایر علوم غافل سازد.

شخص قاری باید تمام حجاب‌ها و موانع را از پیش روی خود بردارد و از منظر بالاتر به قرآن بنگرد. و گرنه از قافله سالکان الی‌الله بازمی‌ماند و از دعوت‌های شیرین الهی محروم می‌شود. این امر از خود قرآن شریف نیز استفاده می‌شود که مؤمن نباید به یک حد معین قانع شود و در یک مرتبه بماند. بلکه باید برای نیل به مقام‌های بالاتر، به نمونه‌ها و اسطوره‌هایی نظیر موسی کلیم‌الله (ع) و حضرت ابراهیم خلیل‌الله (ع) و... نظر عبرت و درس‌آموزی بیفکند.

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم

ب) حجاب عقیده و روش باطل

در بعضی موارد ممکن است اعتقاد غلطی در انسان به صرف شنیدن از پدر و مادر یا بعضی از اهالی منبر یا استادان یا خواندن مطلبی در جایی در وجود انسان شکل بگیرد که این خود به مانع بزرگی بین ما و آیات شریفه قرآن تبدیل می‌شود و به راحتی حاضر نمی‌شویم که اگر هزاران آیه و روایت در اثبات خلاف این عقیده آورده شود، از عقیده باطل خود چشم ببوشیم. امام راحل (ره) این حجاب را مهم‌ترین عامل مهجور گذاشتن قرآن دانسته‌اند و بر این قضیه بسیار تاسف می‌خورند.

ج) حجاب عدم تفکر و تدبیر

یکی دیگر از موانع این است که بعضی‌ها معتقدند جز آن چه که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی حق استفاده از قرآن شریف را ندارد و تدبیر و تفکر در آیات را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه می‌گیرند. با این عقیده باطل، قرآن را از همه راه‌های استفاده و سود بردن عاری و آن را به کلی مهجور کرده‌اند. در صورتی که بهره‌های اخلاقی، ایمانی و عرفانی، به هیچ‌وجه مربوط به تفسیر نیستند، چه رسد به تفسیر به رأی.

د) حجاب معاصی

یکی دیگر از حجاب‌هایی که مانع از فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواظب این کتاب آسمانی می‌شود، حجاب گناهان و تاریکی‌های حاصل از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان است.

باید دانست، هر یک از اعمال ما، چه حسنه و چه سیئه، دارای صورتی در عالم ملکوت است متناسب با آن. هم‌چنین، صورتی در ملکوت نفس انسان حاصل می‌شود که به واسطه عمل صالح در باطن ملکوت نفس نورانیت به دست می‌آید و قلب مطهر و منور می‌شود. در این صورت، نفس چون آینه صیقل می‌یابد و لایق ظهور حقایق و معارف الهی می‌شود.

و یا عمل پلید و سیئه، نفس را ظلمانی می‌کند و قلب چون آینه زنگارزده و چرکین می‌شود که هیچ‌یک از حقایق غیبی در آن انعکاس نمی‌یابد. کم‌کم قلب تحت سلطه شیطان قرار می‌گیرد و حکمران آن ابلیس خواهد شد.

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أذانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

قاری باید همه معارف و
احوال قلب و اعمال باطن و
ظاهر خود را با کتاب خدا تطبیق
دهد و به قرآن عرضه دارد تا
به حقیقت قرآن متحقق و قرآن
صورت باطنی او شود

۴) حجاب حب دنیا

«حُبُّ الدنیا رأس کل خطیئه»^{۱۵}

ضخیم‌ترین پرده و حجاب بین ما و مواعظ قرآن، حجاب حب دنیا است که به واسطه آن، قلب تمام هم خود را صرف آوردن مواهب دنیا می‌کند. چنین محبتی انسان را از ذکر خدا غافل می‌سازد. این حایل در برخی موارد به قدری غلیظ و ضخیم می‌شود که حتی نور فطرت الهی در وجود انسان به کلی به خاموشی می‌گراید و درهای سعادت به روی انسان بسته می‌شود. شاید قفل‌های قلب که در آیه شریفه: «افلاتند برون القرآن ام علی قلوب اقفالها» آمده است، همین قفل و بندهای علائق دنیوی باشد. کسی که بخواهد از معارف قرآن استفاده کند و از مواعظ الهی و انوار آیات کریمه قرآن بهره‌مند شود، باید قلب را از این ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها و عوامل اشتغال پاک سازد، زیرا که غیر مطهر محرم اسرار نیست. درخت حب دنیا و آرزو را باید از دل ریشه‌کن کرد تا قلب ساکن و مطمئن شود.

در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر از دوست کس

هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس

امام(ره) در «محرم اسرار» می‌فرمایند:

این قفل‌ها را باز کن، از این قفس پرواز کن

انجام را آغاز کن، کانجا زیار آوا بود

این تارها را پاره کن، وین دردها را چاره کن

آواره شو، آواره کن، از هر چه هستی‌زا بود

بردار این ارقام را، بگذار این اوهام را

بستان ز ساقی جام را، جامی که در آن لا بود^{۱۶}

بعضی‌ها معتقدند جز آن چه که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی حق استفاده از قرآن شریف را ندارد و تدبر و تفکر در آیات را با تفسیر به رأی - که ممنوع است - اشتباه می‌گیرند

امام خمینی(ره) علاقه وافری به قرآن داشتند. ایشان شیفته قرآن بودند و انس با قرآن کریم در سر لوحهٔ امورشان قرار داشت. گویی قرآن نامهٔ محبوب است که الان به دستشان رسیده است، با اشتیاق فراوان به قرائت قرآن می‌پرداختند و از آن لذت می‌بردند. لذا ایشان می‌فرمود:

«اگر قرآن نبود باب معرفت الله بسته بود الی الابد.»

پی‌نوشت

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۵۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲۰.

۵. مرآه العقول، ج ۱۲، ص ۱۰۹.

۶. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۶۳.

۷. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۸. اسرار الصلوه، ص ۱۱۵.

۹. استغاذه: یعنی پناه گرفتن و شیطان عبارت از هر متمرذی از انس و دواب (چهارپا و...) و جانّ (جن) است.

۱۰. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۳.

۱۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۳.

۱۲. تفسیر سوره حمد، ص ۴۰، شرح دعای سحر، ص ۱۵۹، سرالصلوه، ص ۸۸.

۱۳. شرح دعای سحر، ص ۱۶۱ تا ۱۶۳.

۱۴. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی، عباس عزیزی، ص ۱۳۶.

۱۵. اصول کافی، ج ۱، حدیث ۱، به نقل از امام صادق(ع)

۱۶. دیوان امام، ص ۱۰۳.

منابع

۱. سر الصلوه. امام خمینی(ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س). ۱۳۸۷.

۲. امام در سنگر نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.

۳. قرآن باب معرفت الله (مجموعه بیانات و نوشته‌های امام خمینی(ره) درباره قرآن) مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. ۱۳۷۴.

۴. تفسیر سوره حمد. امام خمینی(ره). ترجمه علی اصغر ربانی خلخالی. ۱۴۰۰ هـ.ق.

۵. شرح دعای سحر. امام خمینی(ره). ترجمه سیداحمد فهری. انتشارات خیر خواه. ۱۳۵۹.

۶. فصل نامه بینات. سال یازدهم. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۳.

۷. سیمای نماز در آثار علامه حسن‌زاده آملی. انتشارات نبوغ. چاپ دوم. ۱۳۸۷.

